

Keeping Justice in the rights of men and women from the perspective of the Quran and its function on the institution of the family



Mohsen Qasimpour¹, Kausar Yousefi Najafabadi², Zahra Mola³

Abstract

From the beginning, the Holy Quran has been a revival of the rights of men and women in various human fields. The Holy Qur'an, based on the principle of justice, has established equal rights with regard to the physical structure of men and women; Therefore, from the point of view of human essence, there is no difference between men and women, and in some fields, what has become the reason for male superiority is only related to legal ties, which cultural fields and capacities, It has social and historical influence. The Holy Qur'an considers the purpose of human creation in the form of male and female to be peace and emphasizes on forming a family and marriage. It introduces the family as a safe haven for people and a place where the talents of its members flourish. This research, using a descriptive-analytical method, aims to investigate justice-oriented as a fundamental infrastructure in the rights of men and women and its effect and function in the family system. Based on the findings of this research, in the perspective of Islamic vision, the rights of women and men in the family system in the realm of categories such as dignity, freedom (with an emphasis on its Quranic meaning), the enjoyment of education and in the field of political and social issues according to the role and the special work of men and women has followed the principle of justice-oriented; In such a way that the mentioned cases have their constructive effects in the direction of stability and regularity of the family institution and doubles its efficiency.

Keywords: Quran; central justice; the rights of men and women; family system

مطالعات اجتماعی
و فلسفه

دوره اول

شماره اول

پیاپی: ۱

بهار و تابستان

۱۴۰۱

1. Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. m.qasempour@atu.ac.ir

2. Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Kashan University, Kashan, Iran (corresponding author). kr.yusefi@gmail.com

3. Doctoral student of Quran and Hadith Sciences, Al-Zahra University (S), Tehran, Iran. zmola90@yahoo.com



عدالت‌محوری در حقوق زن و مرد از منظر قرآن و کارکرد آن بر نهاد خانواده

محسن قاسم پور^۱

کوثر یوسفی نجف آبادی^۲

زهرا مولا قللجی^۳

چکیده:

قرآن کریم از آغاز، احیاگر حقوق زن و مرد در ساحت‌های گوناگون انسانی بوده است. قرآن کریم، بر مبنای اصل عدالت، حقوق یکسانی با نگرش به ساختار فیزیکی زن و مرد بنیان نهاده است؛ از این‌روی، از نگاه گوه‌ری انسانی، تفاوتی میان زن و مرد نیست و در پاره‌ای از زمینه‌ها، آنچه مایه برتری مرد شده است، تنها مربوط به پیوندهای حقوقی است که زمینه‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی در آن تأثیر دارد. قرآن کریم هدف از خلقت انسان در قالب دو جنس مذکر و مؤنث را آرامش دانسته و بر تشکیل خانواده و ازدواج تأکید می‌ورزد. خانواده را پناهگاه امن افراد و محل شکوفایی استعدادهای اعضای آن معرفی می‌کند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، بر آن است تا عدالت‌محوری را به مثابه زیرساخت بنیادین در حقوق زن و مرد و تأثیر و کارکرد آن را در نظام خانواده بررسی نماید. براساس یافته‌های این پژوهش در چشم‌انداز بینش اسلامی، حقوق زنان و مردان در نظام خانواده در قلمرو مقولاتی نظیر کرامت، آزادی (با تأکید بر مفهوم قرآنی آن)، برخورداری از آموزش و در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی به فراخور نقش و کار ویژه زن و مرد از اصل عدالت‌محوری تبعیت کرده است؛ به گونه‌ای که موارد ذکرشده آثار سازنده خود را در جهت استواری و انتظام نهاد خانواده به همراه داشته و کارآمدی آن را مضاعف می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: قرآن؛ عدالت‌محوری؛ حقوق زن و مرد؛ نظام خانواده.

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. M.qasempour@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول). kr.yusefi@ymail.com

۳. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. Zmola90@yahoo.com





۱. مقدمه

از دیدگاه قرآن، زن و مرد، هر دو از ارزش انسانی یکسانی برخوردارند و به شکلی برابر، مسئولیت دینی برای آنها تعریف شده است. در قرآن، هر جا به انسان خطاب یا امر و نهی شده، با عبارت «یا ایها الناس» آن را افاده نموده است و شأن و منزلت آن دو نزد خدا یکسان است؛ مگر یکی از آن دو پارسا تر باشد؛^۱ و در ایمان به خدا و پذیرش دعوت پیامبر (بیعت با پیامبر و وصی او)؛ همچنین در آزادی که بایسته انسان بودن و جزء هویت اوست^۲ در حقوق قانونی^۳، بهره‌گیری از حق زندگی، پاس داشت شئون اجتماعی، برخورداری از مواهب الهی، در سیر تکاملی الی الله و در پاداش و کیفر الهی، هر دو، مساوی‌اند. لیکن به اقتضای تقسیم کار، تقسیم مسئولیت، تنظیم کارکرد طبیعی، تخصص و وظایف، هر کدام، دارای حقوق خاصی هستند که با برابری آن‌ها در انسان بودن و برخورداری یکسان از حقوق انسانی سازگار است. بدین سان هر دو متمم و مکمل یکدیگر بوده و برای تمامیت خود در نظام خانواده، در رفع نیازهای طبیعی و جسمی و روحی به شدت به یکدیگر نیازمندند؛ چنان‌که می‌توان گفت، اسلام در میان همه مکاتب در پاس داشت تعادل در حقوق زن و مرد در خانواده بی‌مانند است؛ از جمله مسائل چالش برانگیز در این مبحث، این است که آیا از منظر قرآن کریم زن و مرد به عنوان عضوی از خانواده از حقوق متساوی برخوردارند؟ با فرض بهره‌مندی از حقوق مساوی، برابری حقوق زن و مرد در چه زمینه‌ای است؟ موارد ظاهری نقض برابری حقوق زن و مرد، به دلیل تفاوت جنسیت و شرایط اجتماعی حاکم بر روابط زن و مرد در قرآن، کدامند؟ و چگونه قابل تحلیل است؟ تأثیر برابری حقوق زن و مرد بر کارکردهای خانواده در چه زمینه‌هایی است؟ در این پژوهش، سعی بر آن است که با استناد به آیات قرآن که در زمینه حقوق زن و مرد نازل شده است و نیز باتوجه به اصول درست هم‌زیستی که در متون اسلام در مورد برابری حقوق زن و مرد وجود دارد، دیدگاه مکتب اسلام با برداشت از آیات قرآن به مثابه منبع اصلی دین نسبت به رعایت اعتدال در حقوق زن و مرد از جنبه‌های مختلف بررسی و تبیین گردد و به سؤالات مذکور پاسخ داده شود. بی‌شک باتوجه به ضرورت این مطلب، کتب و پژوهش‌های بی‌شماری همچون کتب «نظام حقوق زن در اسلام»، مطهری (۱۳۶۹)؛ «شخصیت و حقوق زن در اسلام»، مهریزی (۱۳۸۲)؛ «حقوق زن و خانواده»، محمود حکمت‌نیا (۱۳۹۲) و پایان‌نامه‌هایی مانند «حقوق

مطالعات اجتماعی و فرهنگی
بهار و تابستان
۱۴۰۱

دوره اول
شماره اول
پیاپی: ۱
بهار و تابستان
۱۴۰۱

۱. إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُ. (حجرات/۱۳)

۲. كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ. (مدثر/۳۸)

۳. هُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ. (بقره/۲۲۸)

زن بر شوهر از منظر قرآن»، افسر علی قاسمی (۱۳۸۴)؛ «مبادی برابری اخلاق زن و مرد در اسلام و فمینیسم»، بنیان (۱۳۸۹)؛ «بررسی و نقد آراء مستشرقان درباره حقوق اجتماعی زن در قرآن» از سوهانی (۱۳۹۳) و مقالاتی چون «عدالت جنسیتی از دیدگاه شهید مطهری و علامه طباطبایی» از رودگر (۱۳۸۸)؛ «استقلال مالی زن از حبیبی» (۱۳۹۰)، «بررسی حقوق زن در اسلام» از کرد (۱۳۹۳)؛ «نقد و بررسی برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی زن در اسلام» از فرزند وحی (۱۳۹۳)؛ «حقوق زن در اسلام» از خاکپور (۱۳۹۳)؛ «کرامت زن در آیات قرآن و فقه و مذاهب خمسة اسلامی» از علی زایی و همکاران (۱۳۹۹) و... در این وادی به نگارش درآمده، لیکن هیچکدام، این موضوع را به صورت گسترده در تمام زمینه‌ها (فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و...) بررسی نکرده‌اند.

۲. معناشناسی واژگان

۲-۲. خانواده

خانواده به کوچکترین واحد اجتماعی در یک جامعه اطلاق می‌شود. ارکان اصلی این نهاد شامل پدر، مادر و فرزندان هستند. دانشمندان علم واژه‌شناسی نهاد مترادف با این واژه را فامیل دانسته‌اند که به مجموعه چیزهایی که پیوند مشترک دارند یا از یک اصل و ریشه‌اند، اطلاق می‌شود. (انوری، ۱۳۸۱: ۲۶۶۵) در جامعه‌شناسی، اصطلاح خانواده به خانواده هسته‌ای (شامل پدر، مادر و فرزندان) و خانواده غیر هسته‌ای (که غیر از پدر و مادر و فرزندان، عضو دیگری مانند مادر بزرگ نیز با آنان زندگی می‌کنند) تقسیم می‌شود. برخی نویسندگان بر این باورند که برخی واژگان مانند آل به معنای خاندان، اهل و بیت به خانواده در مقیاسی کوچکتر در مقایسه با نوع گسترده آن همچون عشیره، ذوی‌القربی، اولوالارحام بر مفهوم ساختار خانوادگی دلالت دارد. (زروانی، ۱۳۹۳: ۸۴/۸۵)

۲-۲. حقوق

الف) تعریف لغوی: جمع حق است؛ اصل حق به لحاظ ریشه‌ای به معنای استحکام و استواری و مطابقت و برابری است؛ مثل هماهنگی در با پاشنه آن که با استقامت می‌چرخد. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ۲۴۶/۸) گاه حق به چند وجه می‌آید؛ به معنای لازم، واجب و شایسته به کار می‌رود؛ چنانکه حق خداوند به معنای لازم و واجب است و حق بندگان به معنی شایسته و سزاوار است. (طریحی، ۱۴۱۳: ۱۴۹/۵) احمد بن فارس حق را در لغت نقیض باطل شمرده و با اهتمام به جداسازی صدق و حق، واژه حق را به معنای امر ثابتی که انکارش جایز نیست، می‌داند. (احمد بن فارس،



۱۴۰۴: ۳/۸) حق، به این معنا، در قرآن کریم و متون دینی فراوان به کار رفته است؛ مانند آیات ذیل: «وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» (بقره/۴۲)؛ «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ» (بقره/۱۱۹)؛ «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» (آل عمران/۶۰)؛ «وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» (جاثیه/۲۲). گفته شده، حق آن است که شیء در موقع خود واقع شود؛ پس معنای حق مطابقت و وقوع شیء در محل خویش است و آن در تمام مصادیق قابل تطبیق است. (قرشی، ۱۳۷۰: ۱۵۹/۱۲)؛ «حق» به معنای راست، درست مقابل باطل و نادرست، سزاوار و بایسته و آنچه شخص به حکم طبیعت، عرف، شرع یا قانون، اختیار یا امکان برخورداری از آن یا تصاحب آن را دارد هم آمده است. (انوری، ۱۳۸۱: ۲۵۴۷/۳) (ب) معنای اصطلاحی: حق، امری است اعتباری که برای (له) کسی بر (علیه) دیگری وضع می‌شود. این حق ممکن است ریشه واقعی داشته یا نداشته باشد؛ البته ما معتقدیم همه احکام شرعی دارای مصالح و مفاسد واقعی هستند و براساس همان مصالح و مفاسد اعتبار می‌شوند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۲۶) به فرموده شیخ انصاری، «حق عبارت است از نحوه سلطه و توانایی که در پرتو آن صاحب حق می‌تواند مصلحت خود را به دست آورد.» (همو، مکاسب، ۱۴۱۱: اوایل کتب بیع)

معنای اصطلاحی دیگر حقوق، قواعدی است که بر اعمال شخص حقیقی و حقوقی (از این جهت که در اجتماع هستند) حکومت می‌کند و اجرای آن از سوی دولت تضمین شده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۷) از نگاهی دیگر و در نسبت بین حق در قرآن و زمینه دلالت‌های حقوق آن «حق به معنای عمل یا تکلیفی که بر عهده فرد است و بر انجام دادن آن تأکید شده؛ مانند وصیت کردن (بقره، ۱۸۰) یا بهره زوجه از سوی زوج در احکام طلاق (بقره، ۲۳۶: ۲۴۱) و دیگری به معنای نصیب یا بهره‌ای که متعلق به فرد خاصی است؛ مانند آیاتی که به دادن حق خویشاوندان، مسکینان و در راه ماندگان امر می‌کند (اسراء، ۲۶، روم، ۲۸) هم آمده است. (مبلغ، ۵۹۱/۱۳) میان حق و تکلیف رابطه تنگاتنگی است؛ حق در مقابل تکلیف، به معنای «امتیاز بر» یا «حق بر» کسی یا چیزی است. در اینجا تلازم حق و تکلیف لحاظ شده است؛ یعنی وقتی از «حق» سخن به میان می‌آید در مقابل آن «تکلیفی» مطرح است که باید به تکلیف گردن نهد. (صرامی، ۱۳۸۵: ۳۲)

رابطه متقارن حق و تکلیف برای انسان نیز صادق است؛ یعنی هر جا برای شخص حقی ثابت شده، در مقابل تکالیفی نیز برای او قرار داده شده است؛ بنابراین هیچ حقی برای کسی واجب نمی‌شود؛ مگر در مقابل آن حق، وظیفه‌ای مقرر است. براین اساس، حق و تکلیف با یکدیگر رابطه دارند؛ بنابراین حق، نصیب و بهره‌ای است که در پرتو آن

صاحب حق می‌تواند مصلحت خود را به دست آورد و اجرای درست این حق ملازمه با تکلیف دارد که به عهده دیگری است و درک صحیح این رابطه متضمن اجرای درست حق است؛ به عبارت دیگر شناخت این حقوق و انجام آن‌ها و مراعات دوجانبه ضامن تصحیح روابط افراد است. در خانواده نیز زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق متقابل دارند که در مقابل موظف به انجام دادن تکالیفی نسبت به یکدیگر هستند و جز با مراعات این حقوق، روابط خانواده سامان نمی‌پذیرد.

۳. دسته‌بندی آیات ناظر به تساوی حقوق زن و مرد

زمینه‌های مشترکی میان حقوق زن و مرد هست که نمی‌توان آن را سلب کرد؛ مانند استقلال شخصیت، آزادی فکر و اراده، اصل مالکیت، برابری در برابر قانون، دفاع از حقوق مشروع و... هیچ فردی را به بهانه سفید یا سیاه بودن، مرد یا زن بودن، کارگر یا کارفرما بودن، روستایی یا شهرنشین بودن نمی‌توان از حقوق انسانی محروم کرد. در آیات بسیاری از قرآن کریم، زن همچون مرد در جایگاه عضو خانواده و یک انسان، دارای حقوق یکسانی با مرد است که به حق کرامت، حیات، آموزش، آزادی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره قابل تقسیم‌بندی است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱. حق کرامت

یکی از حقوق اساسی انسان‌ها اعم از زن و مرد، حق کرامت به معنای حیثیت، احترام، شرافت، برتری و کمالات است که منحصر به گروه، مذهب، منطقه جغرافیایی و رنگ پوست خاصی ندارد و شامل همه انسان‌ها می‌شود. و آن بر دو قسم است:

۳-۱-۱. کرامت ذاتی

انسان، یگانه مخلوق خداوند است که از جن و ملک جایگاهی والا تر یافته است و کرامت ذاتی در آفرینش تمام انسان‌ها وجود دارد و این نوع کرامت باید بدون در نظر داشتن دین و آیین خاص، پاس داشته شود و تازمانی که انسان در مسیر حق تعالی است، وجود دارد. در قرآن کریم کرامت ذاتی انسان در آیات سورة تین، آیه ۴، اسراء، آیه ۷۰ و حجر، آیه ۲۹ آمده است. از دیدگاه علامه طباطبایی، وجه کرامت ذاتی انسان نسبت به موجودات دیگر به واسطه عقل است و معتقد و مقصود از تکریم، عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد. این کرامت شامل همه انسان‌ها اعم از زن و مرد مسلمان، کافر، مشرک و فاسق است. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۳/۱۵۵) کرامت ذاتی انسان در این آیات به صورت مطلق و کلی مطرح شده، اما در آیات دیگر جلوه‌های کرامت ذاتی مشخص شده است؛ تعلیم اسماء به فرشتگان (بقره/۳۷)،



خلافت را (بقره/۳۰) نشان برتری انسان بر فرشتگان می‌داند. براساس آموزه‌های الهی، انسان به طور مطلق، خلیفه خدا در زمین است. این جانشینی نمی‌تواند به علت غیبت و یا عجز و ناتوانی دیگری باشد، بلکه به سبب ترفیع و بزرگداشت انسان و رساندن او به شرافت و کمال است. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸/۱: ۲۴۹) تسخیر آسمان و زمین برای انسان (جائیه/۱۳) نیز از دیگر دلایل کرامت است. طبق آیات قرآن کریم، انسان، اعم از زن و مرد، از میان همه موجودات جهان طبیعت، به طور ذاتی، از طرف خداوند متعال، مورد اکرام و احترام ویژه‌ای واقع شده است. این کرامت اکتسابی نبوده، بلکه مبتنی بر ذات انسان با وصف دائمی است.

۳-۱-۲. کرامت اکتسابی

این قسم از کرامت مبتنی بر صفات و ویژگی‌های افعال انسانی است. بر مبنای آیات ۱ تا ۵ سوره بقره و آیه ۱۳ سوره حجرات، به دست آوردن آن با تلاش و برنامه‌ریزی مبتنی بر آموزه‌های دینی حاصل می‌شود؛ آیات فوق نشانگر این است که هرکدام از مردان یا زنان که تلاش بیشتری کرده و ترازوی اعمال نیکش بیشتر باشد، رستگار است و کرامت فزون‌تری دارد.

برطبق این آیات، کرامت ذاتی درباره ارزشی است که ناظر به وصف ثابت و دائمی نوع انسان است و کرامت اکتسابی معطوف به فعل انسان است؛ مانند: تقوا، سخاوت و رشادت که انسان در اثر انجام کار و مداومت بر آن، ارزشمند می‌شود؛ یعنی به مرور زمان این نوع کرامت به دست می‌آید.

بنا بر آنچه از آموزه‌های دینی به دست می‌آید، زن و مرد در بُعد انسانی خویش تفاوتی با یکدیگر ندارند. (نساء/۱) و هر دو در بهترین صورت خلق شده و روح الهی در هر دو جاری است. (حجر/۲۹) تکالیفی که خداوند بر انسان واجب کرده نیز تا آنجا که مربوط به جنسیت نمی‌شود، بین زن و مرد مشترک است. (احزاب/۳۵، ۳۶) و آنجا که جنسیت مد نظر بوده، تکالیف به عدالت و متناسب با توان هریک وضع شده است. و خود نیز تکریم هریک از زن و مرد است؛ چراکه از هریک چیزی خواسته شده که توان آن را دارد و آنچه توان آن را ندارد بر دوشش گذاشته نشده است. همچنان که نقش زن در خانواده تربیت است و نباید دغدغه‌های مالی داشته باشد، وظیفه تأمین زندگی از او خواسته نشده است. (بقره/۲۳۳) یک زن تا در خانواده نقش دختری دارد، واجب النفقه پدر است و آن‌گاه که پا به زندگی مشترک با همسر می‌گذارد، مخارجش بر دوش شوهر است؛ در عین حال، همین زن مالک دارایی خویش است و حق تصرف در تمام اموال خویش را دارد. (نساء/۳۲) تکالیف به تناسب توان هریک از زن و مرد وضع شده و کرامت هریک را پاس داشته است.

(بقره/۲۸۶) در این بین آن که باتقواتر است، نزد خداوند گرامی‌تر و کرامت‌اكتسابی‌تر هریک به پارسایی اوست. (حجرات/۱۳) جوادی آملی در این باره می‌گوید: «آنچه در تشریح خطوط کلی حق مشترک و حق مختص زن و مرد استنباط می‌شود، آن است که حق مشترکی است که در تعالی روح و ارتقای انسانیت مشترک بین زن و مرد مؤثر باشد و همچنین حق مختص است که در پرورش هویت مختص زن یا مرد سهم بسزایی داشته باشد. زن رکن تأثیرگذار و تاریخ‌ساز در جامعه است؛ از این روی، برای حفظ جامعه، باید کرامتش همچون مرد حفظ شود و متناسب با هویت زنانه‌اش به ایفای نقش در جامعه بپردازد.» (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۳۳۶/۸)

۳-۲. حق حیات

در گفتمان قرآنی زن با هویت انسان و عضوی از پیکره اجتماع، به سان مرد از حق حیات برخوردار است. قرآن از این نظر هیچ تفاوتی بین آن‌ها قایل نشده است و به کسی اجازه نمی‌دهد که این حق را از آنان (زن و مرد) سلب کند؛ برای نمونه، خداوند در آیات متعددی کشتن انسان‌ها را حرام کرده است؛ تا آنجا که کشتن یک انسان، خواه مرد خواه زن، برابر با کشتن همه انسان‌ها است (نساء/۳۲)؛ و حتی زنده به‌گور کردن دختران نیز با شدیدترین لحن در سوره‌های مختلف، مورد مذمت قرار گرفته است و با بیان گوناگون، اعراب را از این کردار ناپسند بر حذر داشته است. (اسراء/۳۷؛ انعام/۱۴۰) آلوسی در این باره، می‌نویسد: «ذکر «قد» در آیه پیش از «خَیْر»، به معنی تحقق قطعی خسران و ضرر برای افرادی است که فرزندان خود، از جمله دختران را، به علت ترس از مرگ و... می‌کشدند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵/۲۲) قرآن تا آنجا پیش می‌رود که هرگونه نگرش منفی در مورد زنان را تقبیح می‌کند (نحل/۵۷، ۵۹)؛ صاحب «تفسیر البحر المحیط» در این باره می‌نویسد: «خداوند در آیات فوق، نگاه تحقیرآمیز اعراب نسبت به فرزند دختر در عصر جاهلیت را نشان می‌دهد و بدی و ناشایستی آن را در آیه با استفاده از «أَلَا» ی استفتاحی به تصویر می‌کشد و در پایان می‌فرماید: «أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ». «أَلَا» ی استفتاحی، ناسزاواری و غیرعقلانی بودن این قضاوت را بر سر فعل «يَحْكُمُونَ» به نمایش می‌گذارد. امری که نزد خود آن‌ها (اعراب)، عادی و طبیعی تلقی می‌شد.» (ابوحیان، ۱۳۶۷: ۵۷۴/۶) تصریح قرآن به عمل زشت زنده به‌گور کردن در عصر جاهلیت و تکرار آن، نشانی از توجه اسلام به این مسئله (حق حیات متساوی برای افراد) بوده و در آیات فوق، خداوند ابتدا به موهبت بودن دختران از طرف خود اشاره می‌کند؛ سپس حق حیات را مانند هر انسان دیگری، حق طبیعی آن‌ها می‌داند و تفاوتی بین حیات زن و مرد نمی‌گذارد. بنابراین در انسان بودن زن به عقل و نقل استشهد می‌شود؛ از جمله دلایل عقلی



آن است که هویت و تشخیص بدن به نفس و روح است نه به جسم و بدنش و روح نیز نه مذکر است و نه مؤنث، بلکه مجرد است و زن و مرد هر دو را شامل می‌شود و آنچه زن و مرد را متفاوت می‌کند، مسائل مربوط به بدن است و نه روح (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۵۴). از نظر اسلام، زن در خلقت، انسانی کامل است. نهایت کمال و جلوه آفرینش در این است که هر موجودی در نقش حقیقی جلوه کند و به سوی کمال گام بردارد و نیروهای بالقوه را به فعلیت رساند. خداوند همه موجودات را در جای خود، مطابق حکمت، آفریده است: گل را با طراوت، زمین را سخت، آب را سیال ... و کمال هریک از آنها در این است که ویژگی خود را حفظ کند؛ زن و مرد دو جزء از مجموعه هستی به شمار می‌آیند که هریک مکمل وجود دیگری اند. (مصطفوی خمینی و جعفر ورامینی، ۱۳۸۲: ۲۷) اسلام برای منقلب کردن اوضاع زنان جاهلیت، نخست کشتن دختران نوزاد را ممنوع کرد. و پیامبر اسلام منت عظیمی بر بشر، خاصه بر زن و به‌ویژه بر زنان عربستان، گذاشت؛ نه فقط زن را از این مرگ رقت‌آور و فجیع نجات بخشید، بلکه به او حق حیات اجتماعی و اخلاقی داد تا در اغلب حقوق با مرد مساوی شود؛ به دختران احترام گذارد. اینکه پیامبر گرامی اسلام دست دختر خود، فاطمه زهرا (س)، را بارها می‌بوسید، به این دلیل بود که زنان و دختران را در نظر پدر و شوهر خود محترم سازد. (صدر، ۱۳۵۵: ۶۹)

۳-۳. حق آزادی

در اسلام، حق آزادی براساس مبانی عقلی و نقلی است و عنصر محوری آن اختیار انسان، اعم از زن و مرد، است. (انسان/۳) حق آزادی یکی از خواسته‌های فطری و غریزی بشر در تمام دوران تاریخ، بوده است. و اسلام زن را همچون مرد، انسان می‌داند که سه ویژگی مهم انسانی، یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقاء و کمال، را داراست و مانند مرد از امکانات رشد و کامیابی برخوردار است. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۵۴) در آزادی که لازمه انسان بودن و جزء هویت و ذات اوست، زن و مرد مساوی اند. هر دو آزاد آفریده شده‌اند؛ به طوری که جز خداوند، آفریدگار انسان و رضایت و التزام خود زن و مرد، کسی و چیزی نمی‌تواند آزادی خدادادی و قانونی انسان را محدود کند و هریک با استقلال، مسئول عواقب کار خود می‌باشند. (مدثر/۳۸) زن نیز در استفاده از حقوق قانونی خود در مقابل قانون، استفاده از حق حیات، حفظ شئون اجتماعی و استفاده از مواهب الهی با مرد مساوی است. (بقره/۲۲۸)

باتوجه به اینکه آزادی مطلق در جهان وجود ندارد و هر ملتی متناسب با آیین‌ها و ارزش‌های مورد پذیرش خود، حدی از آزادی را از خود سلب می‌کند، می‌توان حدود آزادی مورد توجه برای زن و مرد در اسلام را مطابق با ویژگی‌های

روان‌شناختی و جسمی آنان اثبات کرد. در این میان، هردو انوعی از آزادی در بیان، فرهنگ، اجتماع و... را دارا هستند.

آدمی به واسطه آزادی بیان که از نوع آزادی‌های فردی است، اختیار طبع و ابراز اندیشه‌ها را دارا است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۲۷/۸) آزادی بیان که ابراز آزادانه باور و عقیده است و زیرمجموعه آزادی سیاسی به شمار می‌رود در نگاه دین اسلام برای زن و مرد، یکسان است؛ چراکه از لوازم آزادی اندیشه و قلم است. اشاره به واژه‌های «تعقل» و «تفکر» و «تفقه» و مشتقات آن در قرآن، تشویق به شنیدن سخن تمام گروه‌ها (زمر/۱۸)، تأیید شیوه تبلیغی پیامبران و بیان شبهات و استدلال‌های مخالفان در قرآن، دلیلی بر به رسمیت شناختن آزادی بیان است؛ بدون در نظر گرفتن جنسیت. قلمرو آزادی اجتماعی زن در تربیت انسان، همسو با رسالت قرآن در تربیت انسان‌ها است؛ از این روی، آیت‌الله خمینی زنان را مربی انسان‌ها و خواستگاه همه سعادت‌ها می‌داند. و معتقد است سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. (خمینی، ۱۳۸۵: ۳۳۹/۷) نقش الگویی زنان و مردان نیز می‌تواند زیرمجموعه آزادی اجتماعی به شمار آید؛ آنگاه که قرآن هم زنان و هم مردان را به لحاظ کارکردهای اجتماعی و دینی، الگو مطرح می‌کند. (احزاب/۲۱؛ تحریم/۱۱ و ۱۲)

۳-۴. حق آموزش

یکی از درخشان‌ترین برگ‌های تاریخ اسلام این است که در روزگاری که تاریکی جهل سراسر جهان را فرا گرفته بود، فراگیری دانش و دستیابی به آگاهی‌های همگانی را در شمار بایستگی‌های زندگی و بلکه بیشتر و بیشتر از دیگر بایستگی‌ها نشانه گرفت و بر همه افراد و گروه‌های امت، بی‌هیچ مرزی کار آموزش و پرورش را واجب شمرده است. از منظر باور قرآنی، دانش به یک اندازه برای زن و مرد ارزش می‌آورد. یکی از اهداف رسولان تعلیم دانسته شده است؛ هدف از بعثت پیامبر تعلیم و آگاهی دادن به همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد، اعلام شده است؛ «بالتعلیم أُرسلت». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۱) و فراگیری آن بر مردمان واجب شده است. «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۲/۱) در این میان، به‌گونه‌ای خاص، مردم را به احسان و آموزش دختران تحریض و ترغیب می‌کرد و هیچ احسانی بر دختران، والا تر از تعلیم و تأدیب آنان نیست؛ تا آنجا که تعلیم کنیزان نیز مورد توجه قرار گرفته است و پیامبر اعلام کرد: «کسی که به کنیز خود تعلیم دهد و سپس او را آزاد و با او ازدواج کند، دو برابر، اجر و پاداش می‌برد.» در روایات به درس و تفسیر قرآن و بیان اسرار وحی از سوی حضرت زهرا (س) و و حضرت زینب (س) برای زنان کوفه در زمان حکومت امیرمؤمنان (ع) نیز اشاره شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۴۱۰)



۳-۵. حقوق معنوی و عبادی

از دیدگاه اسلام، هدف از خلقت زن و مرد، هردو، عبودیت و بندگی است که قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) در هیچ یک از آیاتی که اعمال و مناسک عبادی را که انسان به وسیله آن به درگاه خداوند نزدیک می‌شود، بیان کرده است، تفاوتی بین زن و مرد در انجام این اعمال قائل نشده است. از جمله اعمالی مثل نماز، روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر، زکات، انفاق، جهاد و زنان را در پاداش‌های معنوی و سعادت اخروی همانند مردان مورد خطاب قرار داده و حقوق مساوی با مردان برای آن‌ها در نظر گرفته است. از دیدگاه قرآن کمالات انسانی در پرتو عبادت و اطاعت حق است؛ این دو میان زن و مرد مشترک است؛ بنابراین راه تکامل آنها با هم مشترک است. (نساء/۱۲۴) در قرآن کریم، خداوند تعالی ابتدا رسیدن به بهشت را تعمیم و توسعه داده و شامل هر زن و مردی که عمل شایسته بکند، می‌داند و آن همان شرط ایمان و تقوا است. برخلاف پندارهای اهل ملل و نحل، از قبیل هند، مصر و سایر بت پرستان که می‌پنداشتند زنان در اصل، عملی ندارند و اعمال صالحه آن‌ها پاداش ندارد. و نیز اسلام برخلاف آنچه از یهودیان و مسیحیان به ظهور رسیده که گفته‌اند، زنان نزد خدا خوار و بی‌مقدارند؛ چون خلقتشان ناقص و اجرشان اندک است و هرچه کرامت و حرمت است از آن مردان است، می‌فرماید: «زنان نیز مانند مردان دارای اجر و ثوابند و آنان نیز براساس عمل صالح و ایمان، مانند مردان وارد بهشت می‌گردند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/۴۱۷) در دیدگاه اسلامی، زن نیز انسانی چون مرد است که دارای سه ویژگی مهم انسانی، یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقا و کمال می‌باشد و همانند مرد از امکان رشد و کامیابی از طریق حق آموزش برخوردار است. (ر.ک: احزاب/۳۵؛ توبه/۷۲؛ فتح/۵)

۳-۶. حقوق سیاسی و اجتماعی

شواهد فراوان قرآنی و تاریخی از برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد حکایت دارد؛ (ممتحنه/۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱/۱۳۴) در حقیقت اعلام می‌کند که زن نیز مانند مرد یکی از خشت‌های بنای اسلامی است که باید سهم خود را در استواری و نگه‌داری این بنیان ایفا کند. (کمالی، ۱۳۷۱: ۲۶) و شرایط بیعت را یکسان برای زن و مرد بیان می‌کند. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۲۴۴) بیعت پیامبر با زنان، نشان از ارزش‌گذاری به زنان در تشکیل حکومت و شرکت در سرنوشت جامعه خود است.

حضور حضرت فاطمه (س) در جریان مباحله (آل عمران/۶۱) که یک عمل مذهبی-اجتماعی است، نشانگر فعالیت اجتماعی و سیاسی زنان همانند فعالیت

مطالعات اجتماعی و زن
و زن‌شناسی

دوره اول
شماره اول
پیاپی: ۱
بهار و تابستان
۱۴۰۱



مردان در صحنه‌های مختلف، از صدر اسلام است.

امر به معروف و نهی از منکر با عنوان رفتاری اجتماعی در یازده آیه از قرآن مطرح شده است که تمام خطاب‌ها عام و شامل زنان و مردان مسلمان می‌شود. (آل عمران/ ۱۰۴) در سوره توبه با قید جنسیت زن و مرد، بر این رفتار اجتماعی و عدم اختصاص آن به جنسیت خاص تأکید می‌کند (توبه/ ۷۱).

قرآن از ملکه سبا (نحل/ ۲۳، ۲۴) به عنوان بانویی که نمونه‌ای از خردورزی، دانایی، مدیریت و سیاستمداری و رهبری یک زن در جامعه است، سخن می‌راند که با دعوت حضرت سلیمان به توحید می‌گراید و سبب هدایت قوم خود می‌شود. حق شرکت در عرصه‌های مقاومت، همچون مهاجرت در راه خدا (آل عمران/ ۹۵)، بر عهده گرفتن وظایف پشتیبانی در جنگ‌ها، همچون آب‌رسانی و... به دست امّ سلمه، عایشه، امّ عماره و... (ابی داوود، ۱۴۲۱: ۲۰۲/۱؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۴۱۸/۴؛ ابن هشام، ۳۵۵: ۸۶، ۸۷/۳) نیز نموده‌ای دیگر حضور اجتماعی زنان در اسلام است که نشان از به رسمیت شناختن حق اجتماعی زنان دارد.

۳-۷. حقوق اقتصادی

ظلم اقتصادی بر زنان، قبل از نزول قرآن و در دوران جاهلیت، موضوعی است که خداوند در آیات به آن اعتراض می‌کند. (نساء/ ۱۹) مفسران به آیه استناد می‌کنند که مردان نمی‌توانند میراث زنان را به ظلم از آنان بگیرند. (انصاری، ۱۳۹۲: ۷۱، ۷۰) از دیدگاه اسلام، عدالت اقتصادی به معنای برابری و مساوات کامل در برخورداری از مواهب طبیعی و امکانات اقتصادی نیست، بلکه رعایت استحقاق‌ها و برخورداری از حقوقی است که هر فرد در جامعه انسانی باید دارا باشد؛ بنابراین در مکتب اقتصادی اسلام تلاش برای برداشتن تفاوت‌هایی است که به تضییع حقوق افراد جامعه منجر می‌شود. از دیدگاه اسلام، ادامه حیات و زندگی مناسب همراه با رفاه نسبی، حق همه افراد، اعم از زن و مرد، است و از آن رو که عالم طبیعت برای همه انسان‌ها آفریده شده است (بقره/ ۲۹)، مردم می‌توانند از همه نعمت‌های الهی به صورت متعادل بهره‌برداری کنند. (کرمی، ۱۳۸۰: ۱۷۴) با توجه به اصل استقلال اقتصادی و منابع دارایی زن و مرد، حقوق اقتصادی در چند دسته، قابل تقسیم بندی است:

۳-۷-۱. حق کسب درآمد و مالکیت

قرآن برخلاف دوران جاهلیت، اعلام می‌دارد که زنان مانند مردان مالک بهره‌کار و زحمت‌شان می‌باشند، حق مالکیت و تصرف در اموال خویش را داشته و بدون نظارت



و قیمومیت کسی می‌توانند از آن بهره برده و با اختیار خویش ثروتشان را در راهی که نیاز باشد، صرف کنند. (نساء/۷) براین اساس، استقلال در مالکیت زنان و فعالیت اقتصادی آنان در نصّ قرآن به رسمیت شناخته شده است. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳/۳۶۴؛ علوی حسینی موسوی، ۱۳۹۶: ۱/۳۵۲)

۳-۷-۲. حق ارث

اصل برخورداری زن از ارث، از مسلمات قوانین اسلام است؛ (نساء/۷) حال آنکه محروم بودن زن از ارث آن قدر در اعراب ریشه دار بود که پس از اصل برخورداری زن از ارث در بعثت پیغمبر اسلام و نشر تعالیم مقدس او درباره میراث، باز هم اعراب میل داشتند تحت عناوین دیگر، مانند وقف کردن اموال یا صدقات قرار دادن آن، از دادن ارث به زنان و دختران سرباز زنند. (نوری، بی تا/۱۹۹) علاوه بر اعراب، در قوانین قدیم هندی، ژاپنی، رومی، یونانی و ایرانی همین تبعیض‌های ناروا در مسئله ارث زیاد وجود داشته است. (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۲۲) سهم ارث متناسب با نظرگاه کلی اسلام نسبت به خانواده، تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها سازگار و عادلانه است و قانون ارث موضوع مالی و اقتصادی است که در اسلام بر پایه‌های عدالت اجتماعی بنیان نهاده شده در آن مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی هریک از زن و مرد رعایت شده است. و اگر از درون نظام حقوق اسلام به ارث نگاه شود، سهم ارث، با توجه به مسئولیت‌های اقتصادی در خانواده و جامعه مانند دادن نفقه و مهر و دیه عاقله و شرکت در جهاد و پرداخت حقوق واجب اجتماعی که بر عهده مردان نهاده شده است، کاملاً منصفانه و ضامن کرامت و عزت نفس زن مسلمان است. و حق تعادل رعایت شده است.

۳-۷-۳. حق وصیت

اسلام با دادن استقلال اقتصادی به زنان و به رسمیت شناختن مالکیت آنان، اجازه وصیت کردن برای اموال را به آنان بخشید. زن مانند مرد، حق دارد در اموال خویش به مقدار ثلث وصیت کند تا به گونه شایسته، پس از مرگش از آن استفاده شود. (بقره/۱۸۰؛ مائده/۱۰۶) در برخی از آیات، به طور خاص، سخن از وصیت زن آمده است و این حق برای او محفوظ است. (نساء/۱۲)

۴. عدالت محوری زن و مرد و تأثیر آن بر کارکردهای خانواده

در جهان بینی اسلامی، حقوق زن و مرد در اسلام، براساس ویژگی‌ها و ظرفیت‌های متفاوت تکوینی این دو جنس، عادلانه و به دور از برتری جنسی است. و قرآن کریم هدف از خلقت انسان در قالب دو جنس مذکر و مؤنث را برای آرامش و سعادت خانواده می‌داند

و برای تشکیل خانواده و ازدواج تأکید می‌ورزد. قرآن کریم هیچ بنیانی را نزد خداوند، محبوب‌تر از ازدواج معرفی نکرده است. زن و مرد را لباس یکدیگر و زن را کشتزار مرد معرفی می‌کند و این نشانگر اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام است و دین مبین اسلام، خانواده را پناهگاه افراد و محل شکوفایی استعدادها و رشد اعضای آن معرفی می‌کند. و با ارج نهادن مقام پدر و مادر در خانواده، نقش هر دو را برای تشکیل خانواده به طور همسان، ضروری و آنها را مدیران بیرونی و درونی خانواده و زیربنای بنیاد هستی می‌شناسد؛ از این رو، تأثیر همسانی جایگاه زن و مرد بر کارکردهای خانواده بدین قرار است:

۴-۱. کارکرد اقتصاد خانواده

اسلام خانواده را مکانی برای خدمت‌رسانی متقابل زن و شوهر معرفی می‌کند. حقوق اسلامی از سویی وظیفه تأمین معاش را از دوش زن برداشته و با الزام نفقه او بر شوهر، بار اقتصادی را بر دوش مردان نهاده و از سوی دیگر، زنان شایسته را زانی می‌داند که در رفع نیازهای خانواده، به‌ویژه داخل منزل، در امور اقتصادی مشارکت داشته باشند. (حرّ عاملی، ۱۳۷۴: ۱۴/۲۴، ۲۱) برای نمونه، حضرت زهرا(س) که الگوی زن مسلمان است، می‌کوشد در کسب معاش، هم‌دوش همسر خویش قرار گیرد و گوشه‌ای از مخارج خویش را تأمین نماید؛ از فردی کار استیجاری قبول می‌کند و در برابر نه کیلو جو، مقداری پشم برای این مرد می‌ریسد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۷/۳۵) بنابراین اشتغال زنان در اسلام، همانند مردان، مورد تأیید است و اسلام در مواردی که ضرورت اقتصادی خانواده اشتغال زنان را می‌طلبد، آن را با حفظ کرامت زنان می‌پذیرد و خواستار واگذاری کارهایی است که متناسب با اولویت درونی و بیرونی آنان است. اسلام، استقلال اقتصادی زنان را نیز می‌پذیرد؛ یعنی در اندیشه اسلامی، زنان نیز می‌توانند مالک کار و تولید خود باشند. قرآن کریم این مسئله را به روشنی بیان می‌دارد. (نساء/۳۲)

استقلال اقتصادی زنان در حالی است که هیچ مسئولیتی در برابر اقتصاد خانواده ندارند و می‌توانند در مقابل کار و خدمت در خانه نیز از همسر خود تقاضای مزد و حقوق کنند و پرداخت آن بر مرد واجب است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «اسلام هرگز نخواسته مرد از زن بهره‌کشی اقتصادی کند، بلکه سخت با آن مبارزه کرده است... این مسئله که زن استقلال اقتصادی دارد، از مسلمات قطعی اسلام است. کار زن از نظر اسلام، متعلق به خود اوست. زن اگر مایل باشد کاری که در خانه بر عهده وی واگذار می‌شود، مجاناً و تبرعاً انجام می‌دهد. و اگر نخواهد، مرد حق ندارد او را مجبور کند. (مطهری، ۱۳۶۸: ۵۷)



۴-۲. کارکرد جنسی خانواده

در نظام فکری اسلام، نیاز جنسی از واقعیت‌های زندگی انسان و امری فطری قلمداد می‌شود. اسلام ریاضت جنسی را مطرود و ممنوع می‌داند و ارضای نیاز جنسی را فقط در حریم خانواده و زندگی زناشویی مجاز می‌شمرد و با دستوراتی چون رعایت عفت در پوشش، نگاه و رفتار، غیرت‌ورزی مردان و توجه به استعداد‌های مختلف جنسی زن و مرد و... به این کارکرد خانواده توجه داشته است. از دیدگاه اسلام، ارضای مشروع غریزه جنسی و کاهش انحرافات جنسی یکی از کارکردهای اساسی خانواده است. کلیدواژه «احسان» در منابع اسلامی، به معنای دژ و قلعه، کنایه از این است که هریک از زوجین برای دیگری به منزله دژ و قلعه‌ای است که او را از خطر وقوع در محرمات جنسی نگاه می‌دارد. (نساء: ۲۴ و ۲۵؛ حرّ عاملی، ۱۳۸۸: ۲۱/۱۴) تعبیر به لباس بودن زن و شوهر نسبت به یکدیگر هم می‌تواند ناظر به این کارکرد خانواده باشد. (بقره/ ۱۸۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۷۴/۱). تأکید اسلام بر نیازهای جنسی زن و مرد است و آن را به رسمیت می‌شناسد؛ چراکه رفتار جنسی همه ارگان‌بسم زن و مرد را درگیر خود می‌کند؛ به گونه‌ای که چهار سازوکار عصبی در آن قابل بررسی است. و به طور مستقیم و غیر مستقیم بر سایر روابط زن و شوهر و در نهایت خانواده اثرگذار است که عدم توجه به آن، سبب به خطر افتادن بهداشت روان اعضای خانواده خواهد شد. (رک: سلاری فر، ۱۳۹۰: ۲۸۹-۲۹۲)

۴-۳. کارکرد عاطفی خانواده

اسلام، خانواده را مستحکم‌ترین پایگاه تأمین نیاز عاطفی زن و مرد به شمار می‌آورد. (روم/ ۲۱) طباطبایی در تفسیر آیه بر این باور است که کلمه «مودت» تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد.... و «رحمت»، به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید. و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام عمل برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند. یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت جامعه کوچک خانواده است؛ چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۵/۱۶)

تأکید اسلام بر کارکرد عاطفی خانواده تا آنجا است که به باور مطهری، دلیل وضع احکامی چون ممنوعیت روابط جنسی با غیر همسر، مسئله حجاب، کاهش اختلاط زن و مرد و... را باید در ایجاد خانواده‌های مبتنی بر محبت و صمیمیت و عاطفه جستجو کرد. (مطهری، ۱۳۶۸: ۸۹) به گونه‌ای که نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده عاطفه و محبت اعضای خانواده به یکدیگر است؛ بنابراین به حکم عقل،

اگر زندگی خانوادگی ضرورت داشته باشد، بهترین عامل برای استحکام بقای آن برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده نسبت به یکدیگر است. (مصباح، ۱۳۷۷: ۷۶/۳) دوست داشته شدن از نیاز اساسی انسان ها است و از مصادیق آن می تواند رعایت حقوق و تساوی میان انسان ها باشد؛ به گونه ای که افراد و به ویژه همسران، با رعایت حقوق خود به یکدیگر، به صورت غیر مستقیم، ابراز محبت می کنند؛ همچون مرد ها که در ابراز محبت به شیوه رفتاری و در قالب فعالیت های اقتصادی اقدام می کنند. تأمین این نیاز و اعتبار بخشی به تساوی حقوق زوجین می تواند نشانی از محبت آنان به یکدیگر باشد. از نظر اسلام، محبت اساس دستورات و سبک زندگی اسلامی است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۰/۸)

۴-۴. کارکرد تربیتی و روان شناختی خانواده

توجه به اصل عدالت محوری در حقوق زن و مرد، دارای کارکردهای تربیتی و روان شناختی است که در این میان به تعدادی از آن اشاره می شود:

۴-۴-۱. احساس خودارزشمندی و عزت نفس

باور به همسانی کرامت زن و مرد در ارزش های دینی و اجتماعی و اجرای برابری زن و مرد در حقوقی مثل اشتغال و فعالیت های اجتماعی، سبب ایجاد خودانگاره مثبت در زنان و در نتیجه افزایش احساس کارآمدی و عزت نفس آنان در خانواده می شود. این احساس در رفتار او نیز نمایان می شود و در رشد عزت نفس فرزندان نیز مؤثر خواهد بود. این انگاره در پژوهش ها نیز اثبات شده است. (کربلایی، ۱۳۷۸: چکیده؛ سروش والا، ۱۳۹۸: چکیده) احساس کرامت و خودارزشمندی زن و شوهر را از انجام رفتارهای نادرست و پست باز می دارد. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۵۸) و در نهایت، دنیا در چشم او کوچک و توان ایستادگی در برابر مشکلات به شکل افزون تری خواهد بود. (همان، ۶۶۳)

احترام و جایگاه اجتماعی

نیاز به احترام از سوی جامعه و دیگران درون تمام انسان ها، گذشته از سن و جنسیت و زمینه فرهنگی، وجود دارد. مزو نیاز به احترام را از نیازهای اساسی می داند. ارضای نیاز به احترام احساسات مثبتی چون اعتماد به نفس و پرثمر بودن در جامعه را ایجاد می کند. (سلاری فر، ۱۳۹۰: ۱۱۴) ارزش گذاشتن به حقوق یکدیگر و تساوی حقوق بستری است برای تأمین نیاز به احترام همسران نسبت به یکدیگر؛ به گونه ای که رعایت این حقوق از جانب همسران احساس احترام را در شریک زندگی ایجاد می کند. این کارکرد سبب می شود تا هریک از همسران



با تأمین این نیاز و داشتن حس اعتماد به نفس بیشتر، با کیفیت بهتری به فعالیت‌های اجتماعی خود بپردازند و ثمربخش‌تر باشند.

افزایش صبر و از خودگذشتگی

آگاهی زن و مرد از حقوق یکدیگر و باور به رعایت عدالت و تناسب آن با مبانی روان‌شناختی زن و مرد، سبب خواهد شد تا هرکدام از آن‌ها نسبت به اجرای حقوق یکدیگر پیش قدم شود. اجرای این حقوق در خانواده، نگاه اعضا را نسبت به یکدیگر تلطیف و احساس محبت را در بین آن‌ها افزایش می‌دهد که نتیجه آن ایجاد سازگاری و از خودگذشتگی بین زوجین در شرایط سخت به پاس عدالت‌ورزی‌های همسر نسبت به حقوق خود است؛ برعکس، عدم اجرای این برابری‌ها در زندگی، سبب ایجاد دلخوری‌ها و کدورت‌های زوجین نسبت به یکدیگر و در نهایت افزایش تنش و عدم مقاومت و صبوری در زندگی خواهد شد.

۴-۵. بهبود کارکرد روانی خانواده

اضطراب، احساس ناکامی و شکست در زندگی و اختلال‌های شخصیتی ارتباط مستقیمی با بهداشت روان دارد. عوامل مختلفی در بهداشت روان انسان‌ها اثرگذار است که در این میان، آگاهی زن و مرد به حقوق یکدیگر و رعایت عدالت در اجرای آن حقوق، همچون حقوق اقتصادی، آزادی، آموزش و... سبب می‌شود تا زنان از تنش و اضطراب‌های ناشی از عدم اجرای این حقوق در امان بمانند و احساس آرامش بیشتری داشته باشند. از آنجاکه انگیزه عبادت در اسلام پرستش و عبودیت خداست، برابری زن و مرد در حقوق عبادی نیز نقش مهمی در بهداشت روان هریک دارد. زن و مرد، هردو، در پرتو این حق درخواست یافت تا نیاز فطری پرستیدن موجودی برتر را در خود ارضا کنند و به آرامش روان حاصل از یاد خدا دست یابند. (رعد/ ۲۸) و ظرفیت روانی خود را برای تحمل تنیدگی‌ها و مشکلات، بالا ببرند و از انسجام شخصیتی لازم برخوردار شوند. (رک: سالاری فر، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۹۲) و بدین طریق از سلامت روان بهتری برخوردار شوند که به مراتب، به دلیل جایگاه مهم زنان در خانواده و تأثیرپذیری فرزندان و همسر از او و از سویی دیگر تأثیر این سلامت روان زنان در بهبود کیفیت ارتباط با دیگر اعضای خانواده و انجام وظایف، سبب سلامت روان اعضای دیگر خانواده و تربیت درست فرزندان (رضایی زاده، ۱۴۰۰: ۱) خواهد شد. از همین روی، امام صادق علیه‌السلام حق فرزند بر پدر را اکرام و گرامی داشتن مادر بیان می‌کنند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹)

۴-۶. کارکرد آموزشی خانواده

سطح آموزش و سواد والدین، به ویژه مادر، نقش مستقیم در ایجاد و افزایش عزت نفس و خلاقیت فرزندان دارد. (ترابی نژاد، ۱۴۰۰: چکیده) بدین روی، تساوی حقوق زن و مرد در آموزش، سبب بهره‌گیری بیشتر زنان و اهمیت آنان به کیفیت و سطح آموزش خود در تمام ابعاد هنری و علمی خواهد شد و این امر، به طور غیر مستقیم، در ایجاد رغبت و شوق دیگر اعضای خانواده برای فراگیری مهارت‌ها و علوم مختلف و پیشرفت تحصیلی اثرگذار است. (محمد اصل، ۱۴۰۱: چکیده) آموزش اقتصادی زنان در کنار مردان و دیگر اعضای خانواده سبب سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت برای فرزندان در اموری همچون آموزش خواهد شد.

نتیجه‌گیری

برپایه آنچه نوشته شد، از دیدگاه قرآن کریم، زن و مرد در سرشت، گوهر و روح انسانی هم‌ترازند. قرآن کریم از آغاز نزول، حقوق اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، اخلاقی و دیگر حقوقی را که در طول تاریخ، سنت‌ها، آداب و رسوم اجتماعی ویژه مردان دانسته می‌شد، به زن بازگردانید و همسانی و برابری برهم خورده میان زن و مرد را دوباره بازساخته است. دین اسلام با رعایت ویژگی‌های طبیعی و اجتماعی، افزون بر حقوق مشترک زن و مرد در قلمروی انسانی، حقوق ویژه‌ای برای هرکدام از آن‌ها قرار داده است. چنان‌که در برابر این حقوق اختصاصی، هرکدام از آن‌ها دارای تکالیف ویژه‌ای هستند که خداوند آشکارا در قرآن مجید به آن اشاره کرده است: «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، برخلاف نگرش برخی از افراد که ظاهر آیات را بدون تفکر و تدبر دستمایه شبهه‌پراکنی قرار دادند، از دیدگاه این مکتب، میان حقوق و تکالیف پیوستگی و تناسب بوده است؛ چنان‌که هرکسی که حقی دارد در برابر آن نیز از تکلیفی برخوردار است. بنابراین ارزش و منزلت همسان زن و مرد در اسلام، از آیات قرآن کریم و دیگر منابع اسلامی به دست می‌آید. در قرآن کریم هیچ برتری به جنسیت داده نشده است، بلکه خداوند متعال عامل برتری را فقط تقوا می‌داند و در مورد حقوق اجتماعی زن و مرد مصلحت هر دو طرف را در نظر گرفته است و اگر محدودیتی در این زمینه قائل شده، صرفاً برای این است که زن دچار کمترین ضرر و زیانی در عرصه مسائل اجتماعی نشود؛ به طوری که در جهان بینی اسلامی، حقوق زن و مرد در خانواده براساس ویژگی‌ها و ظرفیت‌های متفاوت تکوینی این دو جنس، عادلانه، به‌دور از برتری جنسی، است. از این رو، به‌خوبی‌ریال تأثیر عدالت محوری در حقوق زن و مرد بر کارکردهای اقتصادی و جنسیتی و عاطفی و تربیتی و روان‌شناختی و آموزشی و ... در خانواده، مشهود و آشکار است.



فهرست منابع

۱. قرآن مجید (ترجمه سید محمد حسین طباطبائی).
۲. نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی).
۳. ابن هشام (۱۳۵۵ق). «السيرة النبوية». محقق: مصطفی السقا و....، مصر: مطبعة مصطفى البابي و الحلبي و اولاده.
۴. ابوحيان، محمد بن يوسف (۱۴۲۰هـ). «البحر المحيط فی التفسیر». بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۵. ابی داوود، سلیمان بن اشعث السجستانی (۱۴۲۱ق). «سنن ابی داود». بیروت: دارالفکر.
۶. احمد بن فارس، ابن زکریاء (۱۴۰۴ق). «معجم المقاییس اللغة». قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۷. انصاری، محمد علی (۱۳۹۲). «سرنوشت زن در عصر جاهلی». مشهد: انتشارات بیان هدایت نور، چاپ سوم.
۸. انصاری، مرتضی (۱۴۱۱هـ). «مکاسب». قم: دارالذخایر، بی‌چا.
۹. انوری، حسن و جمیله اخیانی (۱۳۸۱). «فرهنگ بزرگ سخن». تهران: سخن، اول.
۱۰. آلوسی، شهاب الدین (۱۴۱۵ق). «روح المعانی فی التفسیر القرآن و السبع المثانی». بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). «صحیح البخاری». بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن (۱۳۸۵). «توضیح المسایل مراجع». قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سیزدهم.
۱۳. ترابی نژاد، کبری (۱۴۰۰). «تبیین رابطه سطح سواد والدین با خلاقیت و عزت نفس دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهر خرم آباد». به راهنمایی رضا غفاری نیا. ایلام: مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام، دانشکده علوم انسانی.
۱۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). «غرر الحکم و درر الکلم». به تحقیق سید مهدی رجائی. قم: دار الکتاب الاسلامی، چاپ دوم.
۱۵. الجزیری، عبدالرحمان (۱۴۰۶هـ). «فقه علی المذاهب الاربعة». بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۳). «مبسوط در مینولوژی حقوق». تهران: گنج دانش.
۱۷. جوادی آملی عبدالله (۱۳۷۱). «تسنیم». قم: اسراء.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). «زن در آینه‌ی جلال و جمال». قم: مرکز نشر اسراء، چاپ نوزدهم.
۱۹. چراغی کوتیان، اسماعیل (۱۳۸۸). «خانواده، اسلام. فمینیسم». قم: انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره).
۲۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۴). «وسائل الشیعه». تهران: مکتبه الاسلامیة.
۲۱. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۷۵). «فلسفه‌ی زن بودن (مقدمه‌ای بر حقوق زن)». تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۲۲. خمینی، روح الله (۱۳۸۵). «صحیفه امام»، (دوره ۲۲ جلدی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چهارم.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۸ق). «مفردات الفاظ القرآن». بیروت: دار المعرفه، چاپ پنجم.
۲۴. رضایی زاده، مریم (۱۴۰۰). «بررسی سلامت روان مادر در تربیت فرزند». به راهنمایی داود ریحانی. مؤسسه آموزش عالی کرمان، گروه روان‌شناسی.
۲۵. زروانی، مجتبی، زروانی (۱۳۹۳). «خانواده». دانشنامه جهان اسلام.
۲۶. زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۴). «در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام». قم: هاجر، چاپ اول.
۲۷. سالاری فر، محمد رضا و محمد صادق شجاعی و سید مهدی موسوی اصل و محمد دولتخواه

۱۳۹۰). «بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوم.

۲۸. سروش والا، آذین (۱۳۹۸). «پیش بینی عزت نفس فرزندان براساس رضایت زناشویی و صفات شخصیت والدین»، به راهنمایی صادق تقی‌لو، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

۲۹. سید باقری، سید باقر (۱۳۹۷). «حق آزادی بیان از منظر قرآن کریم»، علوم سیاسی، بهار، شماره ۸۱.

۳۰. شیخی، محمدتقی (۱۳۷۰). «جامعه‌شناسی زنان و خانواده». تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

۳۱. صدر، سیدحسین (۱۳۵۵). «حقوق زن در اسلام و اروپا». تهران: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ اول.

۳۲. صرامی، سیف‌الله (۱۳۸۵). «حق و حکم و تکلیف». قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ، چاپ اول.

۳۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). «المیزان فی تفسیر القرآن». قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.

۳۴. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۳ق). «مجمع البحرين». تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.

۳۵. علوی حسینی موسوی، محمد کریم (۱۳۹۶). «کشف الحقایق عن نکت الآیات و الدقائق، حاج عبدالمجید صادق نوبری». تهران: بی‌نا، چاپ سوم.

۳۶. عمید، حسن (۱۳۶۲). «فرهنگ عمید». تهران: امیر کبیر، چاپ اول.

۳۷. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۰). «قاموس القرآن». تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم.

۳۸. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). «الجامع لأحكام القرآن». تهران: ناصر خسرو، چاپ اول.

۳۹. قطب، سید (۱۴۲۵). «تفسیر فی ظلال القرآن». بیروت: دار الشروق.

۴۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). «کلیات حقوق (نظریه عمومی)». تهران: دادگستری، بی‌جا.

۴۱. کاظم‌زاده، علی (۱۳۸۶). «تفاوت حقوقی زن و مرد در نظام حقوقی ایران». تهران: میزان، چاپ دوم.

۴۲. کربلایی، فیروزه (۱۳۷۸). «بررسی تأثیر اشتغال مادران بر عزت نفس کودکان ۹ تا ۱۱ سال». به راهنمایی سوسن سیف. تهران: دانشگاه الزهراء(س)، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

۴۳. کرمی، محمد مهدی (۱۳۸۰). «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). «الکافی»، به تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم.

۴۵. کمالی، سیدعلی (۱۳۷۱). «قرآن و مقام زن». تهران: انتشارات اسوه، چاپ دوم.

۴۶. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۸). «مبانی جرم‌شناسی». تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.

۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). «بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار». بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم.

۴۸. محمد اصل، سیده زینب (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر سطح سواد والدین، بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس ابتدایی (مطالعه موردی: مدارس ابتدایی حاشیه شهرستان آبادان)». آبادان: با راهنمایی مؤسسه آموزش عالی مهر اروند.

۴۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷). «اخلاق در قرآن». قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. چاپ اول.

۵۰. مصطفوی (خمینی)، فریده و فاطمه جعفری ورامینی (۱۳۸۲). «زن از منظر اسلام». قم: مؤسسه بوستان کتاب قم.

۵۱. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم». بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ سوم.

۵۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). «مسئله حجاب». تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجم.

۵۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). «نظام حقوق زن در اسلام». تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم.

۵۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). «مجموعه آثار». تهران: انتشارات صدرا.



۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). «زن و مسایل قضایی و سیاسی». قم: انتشارات صدرا، چاپ اول.
۵۶. معرفت، محمدهادی (۱۳۶۷). «ولایت فقیه». قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ اول.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). «اخلاق در قرآن». قم: انتشارات علی بن ابی طالب، چاپ چهارم.
۵۹. منصور نژاد، محمد (۱۳۸۱). «مسئله زن، اسلام و فمینیسم در دفاع از حقوق زن». تهران: برگ زیتون.
۶۰. مهرپور، حسین (۱۳۹۵). «حقوق زن»، چاپ پنجم. تهران: انتشارات اطلاعات.
۶۱. مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). «زن و فرهنگ دینی». تهران: هستی نما، چاپ اول.
۶۲. مهریزی، مهدی (۱۳۹۳). «قرآن و مسئله زن». بی جا: نشر علم، چاپ اول.
۶۳. میر خلیلی، سید احمد و عبد القادر محمدی (۱۳۹۶). «مبانی نظری حق آزادی زنان از دیدگاه امام خمینی». پژوهش نامه متین، پاییز، شماره ۷۶.
- ۶۴.

References

1. Holy Qur'an (translated by Seyyed Mohammad Hossein Tabatabai).
2. Nahj al-Balagha (translated by Mohammad Dashti).
3. Ibn Hisham (1355 AH). "Al-Sirah al-Nabwiyyah". Scholar: Mustafa Al-Saqqa and..., Egypt: Mustafa Al-Babi and Al-Halabi and Oladeh Press.
4. Abuhian, Muhammad bin Yusuf (1420 AH). "Al-Bahr al-Muhait fi al-Tafseer". Beirut: Dar al-Fakr, first edition.
5. Abi Dawood, Suleiman bin Ash'ath al-Sajestani (1421 AH). "Sanan Abi Dawood". Beirut: Dar al-Fakr.
6. Ahmad bin Faris, Ibn Zakaria (1404 AH). "The Dictionary of Al-Maqais al-La-ghah". Qom: Islamic School of Education, first edition.
7. Ansari, Mohammad Ali (2012). "The Fate of Women in the Age of Ignorance". Mashhad: Bayan Hedayat Noor Publishing House, third edition.
8. Ansari, Morteza (1411 AH). "gains". Qom: Dar al-Zakhair, Bi Cha.
9. Anuri, Hassan and Jameela Akhiani (2012). "The great culture of speech". Tehran: Sokhon, first.
10. Alousi, Shahabuddin (1415 AH). "Ruh al-Ma'ani fi al-Tafsir al-Qur'an and al-Saba al-Mathani". Beirut: Dar al-Kutb-ul-Alamiya, first edition.
11. Bukhari, Muhammad bin Ismail (1401). "Sahih al-Bukhari". Beirut: The Reviv-al of Arab Heritage.
12. Bani Hashemi Khomeini, Seyyed Mohammad Hassan (1385). "Explanation of the issues of reference". Qom: Society of teachers of Qom seminary, 13th edition.
13. Turabinejad, Kobri (1400). "Explaining the relationship between parents' literacy level and creativity and self-esteem of sixth grade female students in Khorram Abad". Under the guidance of Reza Ghaffarinia. Ilam: West Ilam Institute of Higher Education, Faculty of Humanities.
14. Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (1410). "Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam". According to the research of Seyyed Mehdi Rajai. Qom: Dar al-Ki-tab al-Islami, second edition.
15. Al-Jaziri, Abdul Rahman (1406 AH). "Jurisprudence of the Four Madhhabs". Beirut: Dar Al-Ahiya al-Trath al-Arabi, 7th edition.
16. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2013). "Expanded in Law Minology". Tehran: Ganj Danesh.
17. Javadi Amoli Abdullah (1371). "Tasnim". Qom: Israa.
18. Javadi Amoli, Abdullah (1383). "Woman in the mirror of glory and beauty". Qom: Isra publishing center, 19th edition.
19. Cheraghi Kotian, Ismail (1388). "Family, Islam. Feminism". Qom: Publications of Imam Khomeini Educational Institute.
20. Haramali, Muhammad bin Hassan (1374). "Weasel al-Shia". Tehran: Islamic School.
21. Khamenei, Seyyed Mohammad (1375). "The philosophy of being a woman (an introduction to women's rights)". Tehran: Scientific and Cultural Publications, first edition.
22. Khomeini, Ruhollah (1385). "Sahifeh Imam", (22-volume series). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, IV.
23. Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1428 AH). "Vocabulary of Quranic Words". Beirut: Dar al-Marafa, 5th edition.
24. Rezaizadeh, Maryam (1400). "Study on mother's mental health in child rearing". under the guidance of Daud Reyhani. Kerman Institute of Higher Education, Department of Psychology.
25. Zarwani, Mojtabi, Zarwani (2013). "Family". Encyclopedia of Islamic World.



26. Sabeti-Najad, Mohammad Reza (2004). "Introduction to the system of female personality in Islam". Qom: Hajar, first edition.
27. Salarifar, Mohammad Reza, Mohammad Sadeq Shujaei, Seyed Mehdi Mousavi Asal, and Mohammad Dolatkah (2013). "Mental health with an attitude towards Islamic sources". Qom: Hoza and University Research Institute, II.
28. Soroush Vala, Azin (2018). "Prediction of children's self-esteem based on marital satisfaction and parents' personality traits", under the guidance of Sadegh Taghilo, Islamic Azad University, Quds branch.
29. Seyed Bagheri, Seyed Bagher (2017). "The right to freedom of expression from the perspective of the Holy Quran", Political Science, Spring, No. 81.
30. Sheikhi, Mohammad Taghi (1370). "Sociology of Women and Family". Tehran: Publishing Company, first edition.
31. Sadr, Seyyed Hossein (1355). "Women's rights in Islam and Europe". Tehran: Javidan Institutes Organization, first edition.
32. Sarami, Saif Allah (1385). "Rights, rulings and obligations". Qom: Science and Culture Research Institute, first edition.
33. Tabatabaei, Mohammad Hossein (1417). "Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an". Qom: The Islamic Publishing House of the Seminary Teachers' Society, fifth edition.
34. Tarihi, Fakhreddin (1413 AH). "Bahrain Assembly". Tehran: Mortazavi bookstore, third edition.
35. Alavi Hosseini Mousavi, Mohammad Karim (2016). "Discovering al-Haqayq on the point of verses and al-daqaq, Haj Abdul Majid Sadegh Nobari". Tehran: Bina, third edition.
36. Omid, Hassan (1362). "Amid dictionary". Tehran: Amir Kabir, first edition.
37. Qureshi, Seyyed Ali-Akbar (1370). "Dictionary of the Qur'an". Tehran: Darul Kitab al-Islamiya, 12th edition.
38. Qurtobi, Muhammad bin Ahmad (1364). "Al-Jamae for the Laws of the Qur'an". Tehran: Nasser Khosrow, first edition.
39. Qutb, Seyed (1425). "Commentary on the shadows of the Qur'an". Beirut: Dar al-Sharouq.
40. Katouzian, Nasser (1377). "Generalities of law (general theory)". Tehran: Justice, Bicha.
41. Kazemzadeh, Ali (2016) "The legal difference between men and women in Iran's legal system". Tehran: Mizan, second edition.
42. Karbalai, Firuzeh (1378). "Investigating the effect of mothers' employment on the self-esteem of 9-11 year old children". With the guidance of Susan Saif. Tehran: Al-Zahra University, Faculty of Psychology and Educational Sciences.
43. Karmi, Mohammad Mahdi (2010). "Jurisprudential foundations of Islamic economy". Qom: College and University College, first edition.
44. Kilini, Muhammad bin Ya'qub (1407). "Al-Kafi", researched by Ali-Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi. Tehran: Islamic Books, 4th.
45. Kamali, Seyyed Ali (1371). "Qur'an and the status of women". Tehran: Asoeh Publications, second edition.
46. Kaynia, Mehdi (2008). "Fundamentals of Criminology". Tehran: Tehran University Press, fifth edition.
47. Majlisi, Mohammad Bagher (1404). "Bihar al-Anwar al-Jama'e Leder al-Akhar al-Imaam al-Atahar". Beirut: Dar Al-Ahia al-Trath al-Arabi, second edition.
48. Mohammad Asl, Sayyida Zainab (1401). "Investigation of the effect of parents' literacy level on the learning and academic progress of primary school students (case study; primary schools on the edge of Abadan city)". Abadan: With the guidance of Mehr Arvand Institute of Higher Education.

49. Misbah Yazdi, Mohammad Taghi (1377). "Morality in the Qur'an". Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. First Edition.
50. Mustafavi (Khomeini), Faridah and Fatemeh Jafari and Ramini (1382). "Woman from the perspective of Islam". Qom: Book Garden Institute of Qom.
51. Mustafavi, Hassan (1430 AH). "Investigation in the words of the Holy Qur'an". Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya, third edition.
52. Motahari, Morteza (1368). "Issue of Hijab". Tehran: Sadra Publishing House, fifth edition.
53. Women's rights in Islam". Tehran: Sadra Publications, 14th edition.
54. Motahari, Morteza (1388). "collection". Tehran: Sadra Publications.
55. Motahari, Morteza (2011). "Women and judicial and political issues". Qom: Sadra Publications, first edition.
56. Marafet, Mohammad Hadi (1367). "Faqih". Qom: Islamic Publications, second edition.
57. Makarem Shirazi, Nasser (1371). "Sample Interpretation". Tehran: Islamic Library, first edition.
58. Makarem Shirazi, Nasser (1376). "Morality in the Qur'an". Qom: Ali Bin Abi Talib Publications, 4th edition.
59. Mansour Nejad, Mohammad (1381). "Women's issue, Islam and feminism in defense of women's rights". Tehran: Olive leaf.
60. Mehrpour, Hossein (2015). "Women's rights", fifth edition. Tehran: Information Publications.
61. Mehrizi, Mehdi (2012). "Women and religious culture". Tehran: Hashti Nama, first edition.
62. Mehrizi, Mehdi (2013). "Qur'an and the issue of women". Bija: Science Publishing House, first edition.
63. Mir Khalili, Seyyed Ahmad and Abdul Qadir Mohammadi (2016). "Theoretical foundations of women's right to freedom from Imam Khomeini's point of view". Metin Research Journal, Fall, No. 76